

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^۱

بعضی از سنن الهی زیر مجموعه سنت تغییر

بحث اخیر در ارتباط با سنت‌های الهی، سنت تغییر و تغیر نامیده شد. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲ حاصل این سنت هم این بود که خداوند متعال نعمت‌ها و عنایت‌هایی که به بندگانش دارد، این‌ها را سلب نمی‌کند مگر این که خود آن‌ها خودشان را متحول کنند از خوبی‌ها به بدی‌ها. آن‌گاه آن نعمت‌ها از آن‌ها سلب بشود. و این سنت تغییر و تغیر سنتی است بسیار مهم. و همچنین از بدی‌ها وقتی خودشان را به خوبی‌ها متحول کنند، باز عنایات الهی شامل حالشان می‌شود.

استثنائاتی گفتیم در این مورد هست. گاهی می‌شود که به عنوان آزمایش در این که یک کسی در مسیر صحیح که هست، کارهای خوبی که انجام می‌داده است، آن‌ها را به بدی تحویل و تحول نمی‌دهد تغییر نمی‌دهد، ولی باز هم گرفتاری‌ها پیش می‌آید. نعمت‌ها از او گرفته می‌شود بر اساس سنت آزمایش. موارد استثنائی از این قبیل هم اشاره شد.

در تمه این بحث، بحث سنت‌های الهی و سنت تغییر و تغیر، زیر مجموعه این بحث مسائل مختلف بسیاری است؛ از این که مثلاً سنت الهی است که ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ این یک سنت است که اگر کسی توکل بر خدا کرد، خداوند متعال کفایتش می‌کند. باز با همان استثنائاتی که می‌گفتیم که گاهی آزمایش است و گاهی چنین و چنان، جای خودش محفوظ است. ولی این هم از سنن الهی است. از روش‌های حضرت حق نسبت به بندگانش این است که ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ از این دست مطالب که در قرآن کریم هست؛ حالا بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. این‌ها زیر مجموعه همین سنت تغییر و تغیر است. یعنی وقتی کسی به خودش چنین توجهی بدهد که حالت توکل پیدا کند، و مصمم شود بر چنین تحوّل نفسانی، وقتی متوکل به حق شد، تکیه به خدا کرد، این جاست که ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ از سنن الهی است.

حالا از این قبیل است ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^۳ اگر کسی تقوا پیشه کند، جدی مراعات کند دستورات الهی را فرمان پروردگار را در همه شئون زندگی، سنت الهی این است که ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا*﴾ در گرفتاری‌ها برای او مفر درست می‌کنیم، راه خروج از گرفتاری برای او درست می‌کنیم. ﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ از آن‌جا که متوجه نیست و فکر نمی‌کرده، خدا برنامه‌هایش را ردیف می‌کند. باز آن استثنائات که گفتیم در اصل بحث جای خودش محفوظ است. پس باز از سنن الهی این است که ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾.

۱ - سوره اسراء، آیه ۹.

۲ - سوره انفال، آیه ۵۳.

۳ - سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

از سنن الهی این است که ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ از سنن الهی است که اگر کسی دارای این دو خصلت بشود که خاف مقام ربه، بیمناک باشد از مخالفت با پروردگار، و بالنتیجه نفسش را از هواهای نفسانی باز بدارد، چنین کسی سنت الهی این است که او را بهشتی نماید. سنت الهی این است که کمکش می کند اهل بهشت بشود. ﴿مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ که این نهی از هوای نفسانی هم که می دانیم جقدر تأکید شده است.

و این حدیث بسیار شریف بسیار جالب است و پر تذکر که «لَا تَدْعُ النَّفْسَ وَهَوَاهَا فَإِنَّ هَوَاهَا فِي رَدَاهَا وَتَرْكُ النَّفْسِ وَ مَا تَهْوَى أَذَاهَا وَ كَفُّ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوَى دَوَاهَا»^۲ پست می کند انسان را اگر انسان با هوای نفس، خود را رها کرد و مطیع نفس شد. سبب امتیاز نمی شود، سبب پستی می شود. و اگر کسی در مسیر هواهای نفسانی قرار گرفت، به اضافه این که پست می شود، هواهای نفسانی اذیتش هم می کنند. «و تَرْكُ النَّفْسِ وَ مَا تَهْوَى أَذَاهَا» اذیتش هم می کنند. بخواهد به جایی برسد، راه چاره چیست چه باید کرد؟ «وَ كَفُّ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوَى دَوَاهَا». پس این هم یک سنتی است که ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾.

و باز از سنن الهی است ﴿وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۳ اگر کسی بخل نفسش را مهار کند نگه بدارد، نتیجه رستگاری است. سنت الهی این است که اگر کسی در مقابل بخل نفسش ایستادگی کند مخالفت کند مهار کند، لازمه اش رستگاری است. این بخل نفس همین است که معمولا می فهمیم که انسان نفسش بخیل نباشد. هر کجا که لازم باشد که از اموالش در مسیر حق مصرف کند، ولی استحسانا به ذهن می آید به طور کلی آن چه که نفس بخل می ورزد بر آن، خود را از آن حفظ کند، و نفسش را مهار کند، نگذارد بخل کند. نفس بر همه خوبیها بخل می کند. نفس به نماز اول وقت بخل می کند. نفس به نماز شب بخل می کند. نفس به صله رحم بخل می کند. نفس به انفاق و احسان بخل می کند. نفس به همه کارهای خوب بخل می کند. نفس به همت کردن در جهت تکامل علم و عمل بخل می کند. مهار کند نفسش را، نگذارد که نفس بخل کند. بلکه در جهت این خوبیها جدی باشد و سعی باشد، نتیجه اش این می شود که رستگار خواهد شد. ﴿وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

یک حدیث لطیفی در ضمن این جمله هست، و آن این است که حضرت صادق علیه السلام در طواف بودند، یک کسی هم مراقب حضرت بود که حضرت چه می کنند، در طواف چه می گویند، با خدا چگونه حرف می زنند. هر وقت خودش را به حضرت صادق می رساند و استراق سمع کرد، گوش داد ببیند حضرت چه ذکری می گویند، دید که حضرت می گویند که «اللَّهُمَّ قِنِي شُحَّ نَفْسِي». بعد به حضرت برخورد کرد؛ گفت آقا این طوافی که شما می کردید که مکرر هم طواف کردید، من مواظب شما بودم که شما چه می گویند. شما این ذکر را همیشه تکرار می کردید که «اللَّهُمَّ قِنِي شُحَّ نَفْسِي».

حضرت فرمودند آری مگر نمی بینی خداوند متعال فرموده است «وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ

۱ - سوره نازعات، آیات ۴۰ و ۴۱.

۲ - الکافی (ط - الإسلامية) ج ۳۳۶/۲ باب اتباع الهوی

۳ - سوره حشر، آیه ۹ و تغابن، آیه ۱۶.

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». با این استحسانی که عرض کردم در نظر بگیریم که به عنوان تفسیر عرض نکردم. به عنوان استحسان گفتم مطلب خیلی مهم است که انسان در مقابل بخل نفسش ایستادگی کند. پس این هم از سنت‌های الهی است.

و از سنت‌های الهی است که ﴿إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ﴾ خداوند متعال هر که را بخواهد اضلال می‌کند. که البته هر که را که می‌خواهد اضلال کند، این جور نیست که بی حساب و کتاب است. خود او ضلالت را انتخاب کرده است، به قرینه آیات متعدده دیگر، خدا هم اضلالش کرده است.

و سنتش این است که هر کس به سوی او توجه کند و رجوع کند به سوی خدا، خدا دستش را می‌گیرد هدایتش می‌کند.

دیگر احتیاج به توضیح ندارد این سنی که دارم عرض می‌کنم. همین قدر به عنوان این که از این سنن که صحبت می‌شود، این‌ها همه می‌خواستیم بگوییم زیر مجموعه سنت تغییر است. یعنی در خودش تحول ایجاد کند، خودش را عوض می‌کند، نفسش تغییر پیدا می‌کند از بدی‌ها در این موارد به خوبی، خداوند متعال هم این عنایت را میکند، سنتش این است که دستگیری می‌کند او را.

و آیه دیگر ﴿اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾^۱.

آیه آخر ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾^۲ این سنت الهی است که

هر کس تاب آمن عمل صالحا ثم اهتدی، خداوند متعال می‌بخشد او را. سنت بخشش، سنت عفو. غفور است، غفار است برای کسی که توبه کند با این شرائطی که در این آیه آمده است. ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ برگشت به خدا، بر اساس ایمان ادامه دادن به کار نیک، سپس هدایت.

این جا یک نکته‌ای لطیف تفسیری است. بسیاری از تفاسیر هم قاعدتا متعرض هستند. حالا به مناسبت این که صحبت تفسیری است، و داریم از تفسیر صحبت می‌کنیم؛ از تفسیرهای خیلی خوب، تفسیری است که خدا رحمت کند مرحوم آیه الله میرزا جواد آقای تهرانی را که یک دو دوره تفسیر قرآن را فرمودند، آن وقت دو جلد آن چاپ شده، بسیار تفسیر خوبی است. تفسیر روایی عقلانی و بر اساس مکتب اهل البیت علیهم‌السلام. و در این تفسیر نکات لطیفی است از موضع گیری در مقابل مطالب نادرست فلسفه یونان، و مسائل عرفان اصطلاحی. تفسیری است بسیار جالب در این جهت. دو جلدش چاپ شده، ان شاء الله جلدهای دیگر هم احتمالا چاپ بشود. در حدی تفسیر بسیار خوبی است.

این آیه که الان خواندم ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ یاد می‌آید که مکه مشرف بودم و عمره بود و خلوت بود. من نگاه می‌کردم به بیت، و آیاتی که در این پوشش و پرده بیت نوشته شده بود. از جمله همین آیه بود که مقابلم بود. یکی از طالبین علم و محصلین دانشگاهی مدینه هم نزدیک من بود. دید من دارم نگاه می‌کنم، آمد جلو من گفت چه می‌کنی؟ گفتم نگاه می‌کنم این آیات را. بعد گفتم حالا که سؤال کردی این آیه معنایش چه می‌شود؟ همین آیه بود ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾.

۱ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۳۰/۷۰ باب ۱۳۶ البخل

۲ - سوره رعد، آیه ۲۷.

۳ - سوره غافر، آیه ۱۳.

۴ - سوره طه، آیه ۸۲.

گفت این که خیلی روشن است. من خدا بخشنده‌ام خیلی بخشنده‌ام لمن تاب توبه کننده را، و آمن بر اساس ایمان و عمل صالحا یعنی بعد هم به خوبی ادامه بدهد، کار خوب بکند، ثم اهتدی؛ خودش که رسید به ثم اهتدی؛ یک توقفی کرد. گفت مثل این که مشکل شد. ثم اهتدی دیگر چه لزومی دارد؟ ارکان توبه انجام شد، تاب بر اساس ایمان و عمل صالحا، دیگر ثم اهتدی چیست؟

گفتم حالا سؤال همین است که چه شد؟ توقف کرد. گفت راست می‌گویی. گفت حالا تو چه می‌گویی؟

گفتم از پیغمبر اکرم ﷺ پرسیدند؛ حضرت فرمودند که وقتی توبه را بر اساس ایمان و عمل صالح هم ادامه می‌دهد، نتیجه‌اش غفران پروردگار است که به ولایت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ هم معتقد باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ